

## بازشناسی دشمنان امام حسین (ع)<sup>۱</sup>

عاشورا شناسی بدون شناخت دشمنان راه به جایی نمی برد؛ چرا که دشمنان از میان مسلمین بودند، نماز می خواندند، مسجد می ساختند، روزه می گرفتند و... حتی خون حضرت رابه پای نهال دین خود ریختند.

براساس زیارت اربعین، امام صادق علیه السلام ویژگی های قاتلان امام را برمی شمرد. آن ها کسانی هستند که:

۱. فریب دنیا را خوردند.

۲. هستی خود را به بهای ناچیز فروختند و آخرت خود را از دست دادند. در مقابل بهای ناچیز گردن فرازی کردند و خود را در پرتگاه هوس انداختند.

۳. خدای بزرگ و پیامبر و الامقام رابه خشم آوردند.

۴. اطاعت ازبندگان کردند که اختلاف انگیز و نفاق افکن بودند.

۵. گناه سنگینی بردوش خود گذاشتند و سزاوار آتش شدند.

بازندگان و جاماندگان واقعه عاشورای سال ۶۱ ه.ق را باید شناخت تا مبادا هنگام ظهور امام زمان علیه السلام ما نیز به مشکل آنان گرفتار شویم.

## برخی ویژگی های دشمنان

۱. **جهل:** همه بدی ها از جهل سرچشمه می گیرد؛ به عبارت دیگر شاه کلید هر شر و نکتبت جهل آدمی است<sup>۲</sup>. معمولاً دستورات جاهلانه تبدیل به رفتارهای جاهلانه می شود و قلب ها را تسخیر می کند. (ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم ...) <sup>۳</sup> و آرام آرام فرد را از حیوان هم پست ترمی کند (اولئک کالانعام بل هم اضل)<sup>۴</sup> این بود که هم چون حیوانات شدند، بلکه پست تر.

۱ برگرفته از کتاب سیه رویان، محمدعلی جابری

۲ قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۲۸، ب ۷۹، ح ۱۷.

۳ بقره، آیه ۷.

۴ اعراف، آیه ۷۹.

منظور از جهل؛ نداشتن معلومات و اطلاعات نیست، بلکه بهره نگرفتن از نعمت عقل است که خداوند برای هدایت و سعادت در اختیار انسان گذاشته است .

بنا به فرمایش امیرالمومنین علیه السلام: «رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَعِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ» «چه بسا عالمی که جهلش او را نابود می‌کند، علم دارد، ولی سود نمی‌برد»<sup>۱</sup>.

همچون عمر سعد، که از سرانجام و قصد یزید آگاهی کامل داشت، حتی شب عاشورا با خود شعر می‌خواند و حکومت ری را در مقابل خون امام حسین علیه السلام زمزمه می‌کرد<sup>۲</sup>.

### اقسام جهل :

الف. جهالت اعتقادی؛ یا انحراف و سستی در ایمان و اعتقاد، از جمله مصادیق این جهل نشناختن امام است؛ از همین رو یکی از وظایف اصلی مسلمانان معرفت نسبت به امام زمان خویش است . "امام زمانت را که شناسی، زندگی و مرگت جاهلانه می‌شود"<sup>۳</sup>. معنای جاهل بودن دشمنان امام علیه السلام این است که آنان جایگاه و مقام امام را نشناخته بودند. حتی آن زمان که با نامه از امام دعوت می‌کردند، سخن از سرسبزی باغ و رسیدن میوه‌ها و... داشتند. کأنه حضرت را برای استفاده از تنعمات مادی کوفه فرا می‌خواندند. از همین رو در دعوتنامه‌ها چنین کلماتی را ابراز می‌کردند .

هرگاه مقام و جایگاه امام نا شناخته بماند، نیاز واقعی تشخیص داده نمی‌شود؛ و گرنه از نظر نسب، همه آن‌ها در روز عاشورا اقرار به فرزند رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا (س) داشتند، باین وجود، بازهم اصرار داشتند تا امام را رها نکنند و آن حضرت را در حال تشنگی به شهادت برسانند<sup>۴</sup>.

یکی دیگر از مصادیق جهالت اعتقادی؛ واجب اطاعه دانستن یزید بود. آنان یزید را خلیفه و امام حسین علیه السلام را رافتنه جو و عامل تفرقه می‌دانستند. می‌توان گفت یکی از جنبه‌های روز خاص و این که چرا هیچ روزی مانند روز

۱ نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷

۲ ابن اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳ ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱۲، ص ۴۰۹، باب ۳۸، ح ۹.

۴ وقعه الطف، ص ۲۰۸.

۵ ابن بابویه، الامالی، ص ۱۵۸، مجلس ۳۰، ح ۱.

امام حسین علیه السلام نیست؟ به این دلیل سی هزار نفر گمان می‌کردند از امت رسول خدایند و تلاش داشتند با ریختن خون فرزند رسول الله به خدا نزدیک‌تر شوند<sup>۱</sup>.

البته سرچشمه این فکر پلیدر ابا باید در آنجا جستجو کرد که غدیر نادیده گرفته شد.

## جهالت اخلاقی

اعتقاد جاهلانه بر اخلاق و رفتار تأثیر می‌گذارد. جهالت ویژگی بارز مشرکین قریش بود حتی خودشان هم به آن اعتراف داشتند و بدتر آن که به آن افتخار می‌کردند، تا آن جا که می‌گفتند: «کسی پیش ما خودش را به جهالت نزند، که ما از همه جاهل تریم.»<sup>۲</sup> «تعصب» کورکورانه جلوه‌ای از جاهلیت اخلاقی در کربلا بود. نادیده گرفتن حق، نتیجه این تعصب است.

روز تاسوعا همین تعصب جاهلانه، شمر را وادار به آن حرکت احمقانه کرد که نزدیک خیمه‌های امام شد و فریاد زد: خواهرزاده‌های ما کجایند؟ حضرت ابا الفضل علیه السلام و برادرانشان سربه زیر انداختند و پاسخش را ندادند، اما امام فرمود: جوابش را بدهید؛ اگر چه مردی فاسق است.

او با تعصب جاهلانه می‌خواست اعلام امان کند. حضرت عباس علیه السلام صدایش را بلند کرد و فرمود: "مرگ بر تو ای شمر، خدا تو و امانت را لعنت کند، ای دشمن خدا، آیا می‌خواهی ما دست از حسین برداریم؟"<sup>۳</sup>

## جهالت رفتاری

از نظر حضرت علی علیه السلام حکم یا حکم خداست یا حکم جاهلی، پس هر کس به حکم خدا قضاوت نکند، قطعاً حکمش جاهلی است.<sup>۴</sup>

لشگر عمر سعد جلوه‌های متعدد جهالت رفتاری را در کربلا به نمایش گذاشت. دعوت از میهمان و پذیرایی با نیزه و شمشیر، تحریم آب حتی برای کودکان، به اسارت گرفتن دختران رسول خدا، بر نیزه کردن سرهای شهدا و... جهالت رفتاری تا آن جایی می‌رود که چشم انسان را از عبرت‌بینی کور می‌کند و عقل او را زائل می‌سازد؛ هم‌چنان

۱ ابن بابویه، الامالی، ص ۴۶۲، مجلس ۷۰، ج ۱۰.

۲ ابن ابی‌تالحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۴۸.

۳ ابن اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۹۴.

۴ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۰۷، باب اصناف القضاة، ج ۱.

که در کربلا پیش چشمشان بسیاری به سزای اعمالشان رسیدند، ولی هیچ عبرت نگرفتند. انسان جاهل سرباز دشمن می شود؛ همچنان که جهالت مردم شام آن هارا در مقابل شهادت حضرت علی علیه السلام در مسجد به تعجب واداشت که مگر علی علیه السلام نماز هم می خوانده ؟ امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید : " ان لاهل النار علامات يعرفون بها و هي الالحاد لاولياء الله والموالاه لأعداء الله " «اهل دوزخ نشانه هایی دارند که بدان شناخته می شوند آن ها با اولیای خدا عداوت و با دشمنان خدا محبت و دوستی دارند .<sup>۱</sup>

آری، همین جهالت بود که معاویه نماز جمعه را رو ز چهارشنبه خواند و کسی اعتراض نکرد !!...

نمونه ای از جهالت های زمانه :

شاید برخی گمان کنند که در عصر علم و تکنولوژی خبری از جاهلیت نیست و شاید سخن از جاهلیت بی ارتباط با زمانه باشد . حال آن که باید بگوییم فقط شکل و قالب جاهلیت عوض شده است و گرنه خطرناک تر از آن زمان است. مستکبران عالم به بهانه مبارزه با تروریسم به هر نقطه ی عالم لشکر کشی می کنند و هر چه را مانع منافع خود ببینند از سرراه بر می دارند و کسی هم به آنها اعتراض نمی کند، میلیون ها کودک را آواره می کنند، حق " و تو" در سازمان ملل فجیع ترین تصمیمات جنایی را خیر خواهانه و صلح آمیز اعلام می کند .

مد گرایی عنان انتخاب رادر زندگی از مردم گرفته است، خرافه ها و بیراهه ها قوت یافته مانع از تشخیص حق می گردد و از این جمله بسیاری مطالب دیگر است که بحث درباره آن فعلاً نیست .

## دنیاگرایی

فروختن آخرت به دنیا، کار جاهلان است . بنا به فرمایش پیامبر اکرم (ص) : «علی جان، بدترین مردم کسی است که آخرتش را فدای دنیایش کند، بدتر از او کسی است که آخرتش را فدای دنیای دیگران کند .<sup>۲</sup>»

در عاشورای سال ۶۱ به فرمایش امام صادق علیه السلام کسانی علیه امام حسین صف کشیدند که دنیا فریشان داد و آخرتشان را به بهایی اندک فروختند<sup>۳</sup>. این کار هم از جهالت است.

۱ . احقاق حق، ج ۱، ص ۲۲۵

۲ . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴، ح ۲۰۹۰۲.

۳ . کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۰۷، باب اصناف القضاء، ح ۱

ریز و درشت دشمنان امام حسین علیه السلام عاشق دنیا بودند و همین مانع اتصال آن‌ها به دریای محبت امام شد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "دنیا مثل مار است؛ ظاهرش نرم و درونش سم کشنده است، عاقل از آن دوری می‌کند و نادان به سویش می‌رود".<sup>۱</sup>

قصه تلخ بیعت برای یزید از دنیا پرستی مغیره بن شعبه شروع شد. سال ۵۶ قمری معاویه تصمیم به عزل او گرفت. مغیره برای جلوگیری از این تصمیم به دمشق آمد و به قصد تثبیت منصب سراغ یزید رفت و حسابی از او تعریف کرد و طمع یزید را افزایش داد. معاویه که از ما جرا با خبر شد، به مغیره پیام داد که کدام احمقی زیر بار خلافت یزید می‌رود؛ اما مغیره قول داد که مقدمات این کار ننگین را درست کند. این گونه شد که مغیره هم در سمتش ابقا شد.

با این که مغیره آشنایی کامل به یزید داشت اما محبت دنیا او را کور و کر کرده بود. به قول خودش: پای معاویه را به ماجرای باز کرد که تا مدت‌ها آثارش بر امت محمد (ص) پابر جاشد و چنان شیرازه امور از هم گسست که حالا حالا آب رفته به جوی باز نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

## دین فروشی

اگر انسان بنده دنیا شود به گونه ای عمل می‌کند که دنیایش آسیب نبیند هر چند به قیمت دینش تمام شود. هر اندازه علم و معرفت نسبت به خدا و دین او کمتر باشد دنیا در نظرش ارزش بیشتری پیدا می‌کند تا جایی که غیر از دنیا چیز دیگری را نمی‌بیند. هر گاه انسان نسبت به ارزش چیزی جهل داشته باشد ارزان تر آن را از دست می‌دهد. دشمنان امام حسین چون نگاهشان به دین و دنیا، وارونه بود، دین فروش شدند. آن‌ها پای درس اهل بیت ننشسته بودند تا یاد بگیرند که نگاهشان به دین طلب کارانه نباشد. اما فرزندان رسول خدا تمام دغدغه‌شان حفظ دین بود، حتی اگر به قیمت خون دل خوردن یا خون دادن تمام شود.

پیامبر اکرم (ص) ۲۳ سال، سختی‌ها را به جان می‌خریدند، با منافقین مدارا می‌کردند تا دین بماند؛

حضرت علی (ع) ۲۵ علیه السلام سال استخوان در گلو و خار در چشم، دندان روی جگر می‌گذاشتند تا دین بماند؛

۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۳ ص ۹۸

فاطمه زهرا (س) در مقابل طوفان‌هایی که برای تخریب دین وزیدن گرفته بود، ایستاد و در جوانی به خزان، تن داد تا دین بماند؛

امام حسن مجتبی علیه السلام با اینکه سردار جنگ بود، به خاطر بی‌وفایی لشکریان خود، تن به صلح معاویه داد و نیش‌های سربازان خود را تحمل کرد تا دین بماند؛

امام حسین علیه السلام جان شریفشان را به همراه فرزندان، برادران، برادرزاده‌ها و... را به قربانگاه آورد تا دین بماند.

### **موعظه ناپذیری**

امام حسین علیه السلام از همان روز خروج از مدینه و حتی قبل از آن بساط هدایت و دستگیری را پهن نمود و تلاش داشت افراد بیشتری را سر سفره الهی بنشانند. خطبه‌های حضرت از هنگام خروج از مکه به سوی عراق و در مسیر راه نشان‌گر این واقعیت است.

اما قفل دل‌ها به خاطر دل‌بستگی به دنیا باز نشد و حتی در لحظه‌ای که نفس‌های امام حسین از تشنگی به شماره افتاده بود و از یارانش کسی باقی نمانده بود، شمر ملعون رادرگودال قتلگاه با همان صدای ضعیف موعظه کرد اما امید به جایزه شمر راراهی جهنم کرد؛ چرا که نرود میخ آهنین بر سنگ .